

حق تصویر

(بخش دوم)

حامد پورغلام

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی
دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

Hamed312@yahoo.com

چکیده

در قسمت قبل در مورد حق افراد درباره اشیاء تحت تملکشان بحث نمودیم. و تعارض حقوق مربوط به مالکیت و حقوق پدیدآورنده را از نظر گذرانیدیم. آنچه در این گفتار در پی آن هستیم بررسی دو جنبه دیگر از حقوق مربوط به تصویر می‌باشد.

در قسمت (الف) به بررسی حق تصویر از اشخاص می‌پردازیم. که در آن حقوق مربوط به شخصیت و حفظ حریم خصوصی از یک سو و حقوق مربوط به پدیدآورنده و حق آزادی بیان از سوی دیگر را تبیین می‌سازیم.

اما در قسمت (ب) از بعد فردی تصویر و حقوق مرتبط با آن خارج شده و ابعاد عمومی تصاویر را در حوزه حقوق داخلی و بین‌المللی مورد کنکاش قرار می‌دهیم.

پیش از ورود در بحث لازم است یک بار دیگر تعریف ارائه شده در باب تصویر را تکرار سازیم:

آنچه در این مقاله به عنوان عکس یا تصویر یاد شده است عبارت از هرگونه نمایش از یک شیء یا انسان می‌باشد که می‌تواند در دو صورت بروز نماید:

- پدیده‌ای طبیعی: مانند نگاه کردن به هر شخص و یا چشم‌انداز و یا به تعبیری دیگر تصویربرداری با نگاه مستمر هر شخص از محیط اطراف خویش.

- پدیده‌ای مصنوعی و تکنیکی:

- هرگونه نگارگری، عکس‌برداری، فیلمبرداری و یا هر عمل دیگری که توسط آن تصویری تولید شود.

کلمات کلیدی:

حق معنوی، تصویر، شخصیت

الف) حق افراد نسبت به تصویر خویش

سوالی که سعی در پاسخگویی به آن داریم این است که آیا اشخاص نسبت به تصاویر خود از حقی برخوردار می‌باشند یا خیر؟ اگر این‌گونه است این تسلط تا به کجا ادامه می‌یابد. آیا بایستی برای هر فرد نسبت به تصویرش حقی انحصاری تصور نمود یا اینکه می‌توان با رعایت پاره‌ای از ملاحظات برای ارباب جراید نیز قائل به حقوقی بود. و آیا این حق قابلیت واگذاری دارد یا خیر؟ گذشته از این که ذی حق کیست سوال اساسی دیگری نیز مطرح است اصولاً آیا می‌توان برای حق تصویر ضمانت اجرای مادی یا معنوی‌ای تصور نمود. به عبارت دیگر آیا خسارات ناشی از تصویر چه مادی و چه معنوی قابلیت جبران و مطالبه دارند یا خیر. در چند بخش ذیل سعی داریم به ابعاد گوناگون سوال‌های فوق پاسخ گوئیم.

الف-۱) تصویر و حقوق مربوط به شخصیت و حسن شهرت:

شخصیت افراد به چه معنی است؟ برای پاسخ اول تعریف شخص را بیان می‌کنیم:

«شخص موجودی است که دارای حق و تکلیف است.»^۱ به همین اعتبار «شخصیت از نظر حقوقی عبارت است از وصف و شایستگی شخص برای اینکه طرف و صاحب حق و تکلیف باشد.»^۲

از تعاریف بالا درمی‌یابیم که اشخاص منحصر در افراد حقیقی نمی‌باشند. و لذا شامل اشخاص حقوقی نیز می‌شود. اما نباید فراموش کرد هر آنچه از حقوق که برای اشخاص حقیقی تصور است لزوماً درباره اشخاص حقوقی قابل تصور نیست. مانند علقه زوجیت که منحصراً مربوط به شخص حقیقی است. برای روشن‌تر شدن به تعریف احوال شخصیه می‌پردازیم:

«احوال شخصیه اصطلاح جدیدی است که در فقه سابقه ندارد... (و) اوصافی است که مربوط به شخص است صرف نظر از شغل و مقام خواص او در اجتماع و قابل تقویم و مبادله به پول نبوده، از لحاظ حقوق مدنی آثاری بر آن مترتب است مانند: ازدواج طلاق و نسب.»^۳

در واقع احوال شخصیه در مقابل احوال عینیه به کار می‌رود و موجب تمایز انسان از دیگران است. اما آنچه پیشتر از همه با تصویر در ارتباط است حقوق مربوط به شخصیت است این دسته حقوقی است که به هر انسانی قطع نظر از وابستگی او به گروه اجتماعی خواص تعلق دارد و بیشتر از شخص انسان

حمایت می‌کند تا منافع او این دسته از حقوق بر خلاف حقوق مادی غیر قابل انفصال از شخص و شخصیت انسان است.^۴

حقوق مربوط به شخصیت را می‌توان در دو دسته اساسی قرار داد:

- شخصیت جسمی

- شخصیت اخلاقی معنوی

یکی از موارد بروز دسته دوم شخصیت مدنی انسان می‌باشد که شامل حق بر نام و وضعیت مدنی شخص است. حق انسان بر نام و تصویر خود مانند حق بر نام مورد حمایت است بنا بر این هیچ کس حق ندارد از شخص بدون اجازه او عکس بگیرد. شخص می‌تواند از انتشار تصویر خود حتی اگر بدون سوء نیت باشد جلوگیری کند. در واقع عکس و تصویر و اوصاف آدمی جزو شخصیت اوست و تعرض به آن تعرض به شخصیت محسوب می‌شود. و ممنوع و

در واقع حسن شهرت برای یک شخصیت حقوقی تفاوت چندانی با آبرو و حیثیت در اشخاص حقیقی ندارد.

اگر هدف اصلی از تصویر فرد یا شیئی شخصیت حقوقی‌ای باشد که فرد یا شیئی به آن متصف است موضوع تجاوز به حسن شهرت یا عنوان شخص حقوقی نیز متصور است.

موجب مسئولیت است.^۵

اما سوال این است که آیا تصویر اشخاص تنها موضوع حقوق مربوط به شخصیت است و از این رو منحصر در اشخاص حقیقی است؟ پاسخ نیاز به دقت نظر خواص دارد. از یک نگاه شاید نتوان چیزی به نام حقوق مربوط به شخصیت برای اشخاص حقوقی تصور نمود. با این استدلال که تصور چیزی فراتر از دارایی‌های شخص حقوقی دشوار است. و از آنجا که شخص حقوقی بروز خارجی‌ای ندارد پس تصاویر از آن متصور نیست؛ زیرا آن تصویر یا از یکی از پرسنل است که موضوع مربوط به تصویر آن فرد بخصوص می‌شود و یا تصویر یکی از اموال شخص حقوقی است که موضوع حقوق مربوط به اشیاء تحت تملک می‌باشد.

هر چند این استدلال خالی از وجه نیست ولی می‌توان فی‌الجمله چیزی مشابه برای

اشخاص حقوقی تصور نمود.

در واقع حسن شهرت برای یک شخصیت حقوقی تفاوت چندانی با آبرو و حیثیت در اشخاص حقیقی ندارد. برای روشن‌تر شدن به بررسی خصوصیات حقوق مربوط به شخصیت می‌پردازیم: حقوق مربوط به شخصیت قابل توقیف به وسیله بستانکار نیست. حقوق مربوط به شخصیت نمی‌تواند موضوع قرارداد واقع شوند. حقوق مربوط به شخصیت به ارث نمی‌رسند. همان‌طور که مشاهده می‌شود به جز مورد سوم که در اشخاص حقوقی به طور کلی منتفی است موارد دیگر تا حدودی در این گونه از اشخاص نیز متصور است. به تعبیر یکی از حقوق‌دانان:

«حقوق مربوط به شخصیت بستگی به جامعه دارد زیرا فرد هیكل جامعه است و به وسیله حقوق شخصیت از افراد دیگر متمایز می‌باشد و بدین جهت حقوق مزبور غیر قابل انتقال و اسقاط و بازداشت است.»^۶

همان‌طور که ملاحظه می‌شود نام و حسن شهرت در واقع فصل تمایز بین دو شخصیت حقوقی است. البته مسلماً این دو می‌تواند مورد نقل و انتقال واقع شود ولی نه با جدایی از شخصیت حقوقی. به عبارت دیگر انتقال مالکیت یک شرکت به معنای جدایی و انتقال حسن شهرت آن نمی‌باشد. اما با نگاهی منصفانه باید گفت این گونه از حقوق در عین حال می‌تواند ماهیت مالی جداگانه و قابل نقل بیابد مثالی ملموس برای این موارد حق سرقلمی است.

گذشته از این که ماهیت واقعی حسن شهرت چیست آنچه در اینجا مورد نظر ماست بیان این نکته است که حسن شهرت در اشخاص حقوقی نیز مانند شخصیت اشخاص حقیقی می‌تواند موضوع تجاوز در تصاویر واقع شود. به این تعبیر که اگر هدف اصلی از تصویر فرد یا شیئی شخصیت حقوقی‌ای باشد که فرد یا شیئی به آن متصف است موضوع تجاوز به حسن شهرت یا عنوان شخص حقوقی نیز متصور است. بدیهی است که در صورتی که آن تصویر علاوه بر فعلی به حسن شهرت شخص حقوقی مشمول شرایط تجاوز به حقوق مالکیت اشیا و یا شخصیت باشد، جداگانه قابل دادخواهی است.

الف-۲) حمایت از تصویر اشخاص در قوانین فرانسه:

در کشور فرانسه ابتدائاً قانون خاصی در این باب موجود نبود، لذا حق تصویر از

فوق‌الذکر و مسئولیت‌ها و تکالیف مصرح در بند دوم همین ماده قاضی فرانسوی کار دشواری در برقراری تعادل بین این دو حق انکارناپذیر دارد.

الف-۳) حمایت از تصویر اشخاص در قوانین ایران:

از دیر باز تعالیم اسلامی به انحای متفاوت تعرض به حریم خصوصی افراد را باز داشته‌اند. تا به آنجا که قاضی شرع را در بسیاری از موارد از تجسس در این دایره امن باز داشته و این حریم را بین خدا و بنده مسکوت می‌دارد. حال آنکه حریم خصوصی افراد مکان آرامش آنان تلقی شده و اسرار آن سالها و گاه تا ابد مخفی می‌ماند. از سوی دیگر شرف و آبروی اشخاص به عنوان کرامت انسانی خط قرمزی برای

ماده ۹ قانون مدنی به قضات این امکان را داد تا برای صیانت از زندگی خصوصی افراد علاوه بر استفاده از روش‌های معمول جبران خسارت این اختیار را نیز داشته باشند که^{۱۱} در هر مورد تدابیر لازم جهت توقف و ممانعت از تجاوز به این حریم خصوصی را فراهم آورند.

از دیر باز تعالیم اسلامی به انحای متفاوت تعرض به حریم خصوصی افراد را باز داشته‌اند.

تمامی تعدیات شناخته شده است و حفظ این گوهر گرانقدر از اهم آموزه‌های فرهنگی ایرانی اسلامی است. با این وجود تا حدودی تسامح در این باره در قوانین داخلی احساس می‌شود. چیزی که شاید به علت نهادینه بودن این ارزشها در وجدان جامعه تاکنون از چشمها دور مانده است. لکن با رسوخ فرهنگ مدرن در سطح جامعه با تمامی خوبی‌ها و بدی‌های آن و کم‌رنگ شدن نقش اخلاق در رفتارهای اجتماعی لزوم توجه هر چه سریعتر به آن حس می‌شود.

به طور کلی در قوانین موجود به دو نحو به این حقوق پرداخته شده است: در باب مسئولیت مدنی و قهری و مقررات پراکنده کیفری. که جداگانه به بررسی آنها می‌پردازیم اما همچنان جای مقررات مربوط به حمایت از حریم خصوصی افراد مشابه

خصوصی را نیز مورد توجه قرار داد. این ماده به قضات این امکان را داد تا برای صیانت از زندگی خصوصی افراد علاوه بر استفاده از روش‌های معمول جبران خسارت این اختیار را نیز داشته باشند که^{۱۱} در هر مورد تدابیر لازم جهت توقف و ممانعت از تجاوز به این حریم خصوصی را فراهم آورند.

برای مثال قضات این اختیار را می‌یابند که وسایل و ادوات متجاوزانه را توقیف و ضبط نمایند. به این ترتیب اثبات نقض حریم خصوصی نیز در مقایسه با مسوولیت مدنی تسهیل گردید. اما این نکته را نباید فراموش کرد که دریافت خسارات معنوی به کمک ماده ۹ قانون مدنی فرانسه باعث این موضوع نشد که خسارات مادی ناشی از عکس از دیدگان پوشیده بماند. خسارات مادی وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که سخن از تصویر اشخاص سرشناس باشد که از ارزش اقتصادی بالایی نیز برخوردار است. این دریافت خسارت مادی به معنی نوعی انحصار برای صاحب تصویر نیست و همواره نباید از حقوق پدید آورنده غافل شد. که بحث آن در حقوق مربوط به اشیاء تحت تملک مفصلاً بیان گردید و به علت شباهت از آن می‌گذریم.

علاوه بر ضمانت‌های مدنی مقررات فرانسه برای تعدی عامدانه به حریم شخصی افراد از حربه کیفری نیز غافل نمانده است. به این منظور در ماده ۲۲۶-۱^{۱۲} قانون جزای خود برای تعدی عامدانه و غیرمأذون به حریم خصوصی افراد مجازات تعیین می‌کند. در بند دوم این ماده به تصاویر از حریم خصوصی به طور صریح اشاره شده است.

در مجموع درمی‌یابیم که قانون‌گذار فرانسوی در هر جا بسته به میزان تجاوز به تصویر و در راستای آن تعدیات به حریم خصوصی افراد مقرراتی وضع نموده است. ابتدا با لحاظ قواعد عام مربوط به مسوولیت مدنی سعی در صیانت از این حق داشته است. در گام بعد با اتخاذ تدابیر خاص به متجاوز به حریم خصوصی افراد واکنش نشان داده و در نهایت با توسل به احکام کیفری برای تعدیات شدیدتر نهایت اهتمام خویش را به حریم خصوصی به نمایش می‌گذارد.

در مقابل آنچه تاکنون گفته شد بر طبق ماده ۱۰ معاهده اروپایی حقوق بشر معاهده مربوط به صیانت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین^{۱۳} قرار دارد که برای تمامی افراد جامعه قائل به آزادی بیان، دریافت و تبادل اطلاعات است. از این سو با لحاظ مقررات

ابدانات رویه قضایی در این کشور می‌باشد. دادگاه سن در رأی در سال ۱۸۵۸ حکم به محکومیت عکس گرفته شده از راشل یکی از هنرپیشگان مشهور در بستر مرگ داد. این روند و آرای مشابه باعث ایجاد حمایت قضایی از حق تصویر و به‌طور عام‌تر حقوق وابسته به شخصیت شد. در واقع طی سالیان طولانی بررسی تصاویر از افراد بر مبنای قوانین مسوولیت مدنی و طبق مواد ۱۳۸۲^{۱۴}؛ ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴^{۱۵} که شاکله قواعد مربوط به مسوولیت مدنی را تشکیل می‌دادند؛ انجام می‌پذیرفت. به عبارت دقیق‌تر در این کشور؛ خصوصیات شخص؛ منافع معنوی را تشکیل می‌دادند. و تعرض به آنها موضوع خسارت معنوی قرار می‌گرفت.

ماده ۱۳۸۲ در واقع فاعل فعلی را که به واسطه آن به دیگری خسارتی وارد می‌شود؛ به جبران خساراتی که در اثر تقصیر او وارد آمده ملزم می‌سازد. و ماده ۱۳۸۳ نیز افراد را علاوه بر جبران خساراتی که از عملشان صادر شده است به جبران خساراتی نیز که در اثر قصور (تفریط) و بی‌احتیاطی (افراط) ایجاد گردیده مأمور داشته است. و در انتها ماده ۱۳۸۴ در باب مسوولیت افراد نسبت به اشخاص و حیوانات تحت سرپرستی‌شان اشاره کرده است. اعمال این مواد نیز بر اساس ماده ۸۰۹^{۱۶} قانون آیین دادرسی مدنی صورت می‌گیرد که قانون عام برای مسوولیت مدنی می‌باشد و به قاضی این اجازه را می‌دهد که بنا بر میزان و نحوه تجاوز به حق تدابیر لازم را اتخاذ نماید.

پس همان‌گونه که ملاحظه می‌شود برای بررسی حق تصویر از قواعد مسوولیت مدنی بهره جسته شده بود و لذا زمانی خسارتی قابل در یافت بود که شرایط لازم برای تحقق مسوولیت مدنی را می‌داشت. برای مثال می‌بایست ابتدا خسارتی ایجاد می‌گردید؛ سپس رابطه سببیت بین عمل ارتكابی یعنی تصویربرداری و خسارت محرز می‌شد و در انتها متضرر تقصیر فاعل را اثبات می‌نمود که مسلماً مراحل طولانی و دشوار بود. ضمناً این اشکال نیز وارد بود که نمی‌توانست از برداشتن تصویر شخص توسط دیگران ممانعت به عمل آورد و از حریم زندگی خصوصی افراد محافظت نماید زیرا تا تصویربرداری در مراحل مقدماتی به سر می‌برد امکان ممانعت نبود تا خسارتی ایجاد شود.

در سال ۱۹۷۰ تحول جدیدی در این باره ایجاد شد بدین ترتیب که قانون‌گذار در ماده ۹ قانون مدنی با حفظ رویه فوق حفظ حریم

در ابتدا به سراغ مقررات مربوط به مسئولیت مدنی می‌رویم.

در این زمینه می‌توان از مقررات عام راجع به این موضوع بهره جست. و لذا هرگونه خسارت وارده را قابل جبران دانست. چه در اثر مباشرت و چه در اثر تسبیب. در قانون مسئولیت مدنی ماده ۱ قانون‌گذار حتی صراحتاً از آزادی و حیثیت و شهرت یاد کرده است و می‌گوید:

«هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا

بنابراین اگر تصویر اشخاص را به منزله حق برای آنان تصور کنیم غصب در این مورد نیز متصور است و ضمان آور.

به طور کلی قواعد بازدارنده کیفری این اعمال در دو دسته قرار می‌گیرد مواردی که هدف اصلی از جرم انگاری حفظ حریم اشخاص بوده و مواردی که به دنبال صیانت از ارزشهای اصیل جامعه است.

اما نکته حائز اهمیت در افترا لزوم صریح بودن انتساب جرم است پس اگر تصویری به نحوی انتشار یابد که صراحت در انتساب جرمی داشته باشد مشمول این ماده می‌شود.

حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است.»

در ماده ۱۰ همین قانون مکرراً خسارات معنوی و وارد به حیثیت و اعتبارات شخصی قابل مطالبه و جبران دانسته شده است و بعلاوه تدابیر اضافه‌ای نیز جهت التیام این آلام اندیشیده شده «... دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید». اما باید دید آیا می‌توان بعلاوه موارد بالا تمامی مقررات ناظر به غصب را جاری کرد؟

در ماده ۳۰۸ قانون مدنی می‌خوانیم: «غصب، استیلا بر حق غیر است به نحو عدوان.»

همان‌طور که در تعریف مشخص است به درستی قانون‌گذار از واژه «حق غیر» استفاده نموده است. این تیزبینی در فقه ریشه دارد چنانکه در کتاب الغصب لمعه شهید اول تعریف غصب را چنین می‌گوید: «غصب عبارت است از سلطه استقلالی نسبت به مال غیر با تعدی و تجاوز». همان‌طور که ملاحظه می‌کنید شهید اول از عبارت مال غیر سود می‌برد. اما این امر با اعتراض شهید ثانی مواجه شده و او در این باب معتقد است آنجا که متصرف حق غیر را تصرف می‌کند. مثل حق تحجیر تصرف عدوانی صورت نگرفته ولی غصب محقق شده است. و نتیجه می‌گیرد بهتر بود به جای واژه مال از عبارت حق استفاده می‌شد. مشابه این بحث در جواهر آمده است. تعریف نگارنده شرایع الاسلام از غصب مشابه تعریف شهید اول می‌باشد با برخی اصلاحات. وی می‌گوید: «فَالغصب، هو استقلال بآبائات الید؛ علی مال الغیر عدواناً». در توضیح این عبارت صاحب جواهر بر چندین نکته اشاره می‌کند ابتدا متذکر می‌شود که مال شامل عین و منفعت است اما تاکید دارد که این امر منفعت خاصه است نه مطلق منفعت و در توضیح می‌گوید منفعت مطلق یعنی منفعت مال. اما

بعد از این کلام صاحب جواهر ایراداتی بر این تعریف وارد می‌کند و از جمله مدعی می‌شود که منفعت بضع نیز ضمان آور است کما اینکه اگر تعمد در رضاع محرم وجود داشته باشد ضمان بر آن حاصل می‌شود. و یا اگر راهن حق مرتهن را در استیلا خود در آورد ضامن تلف آن بمثل و یا قیمت است در حالی که این حق مال نیست. و مثال‌های دیگری از این دست می‌زند^{۱۴}. بنابراین اگر تصویر اشخاص را به منزله حق برای آنان تصور کنیم غصب در این مورد نیز متصور است.

و ضمان آور. اما کلمه حق به استدلال ما کمک دیگری نیز می‌کند اگر تصویر از یک شخص آنقدر بی‌ارزش باشد که بتوان از حیث مادی آن را کان لم یکن دانست باز هم در تعریف می‌گنجد. در حالی که گنجایش آن در تعریف شهید اول از آنجا که عرفاً به آن مال اطلاق نمی‌شود محل تردید است. اما عنصر پایانی استیلا است که بایستی ایجاد شود تا غصب محقق شود به نظر می‌رسد که با تصویرگری از شخصی بخشی

از حق او نیز در تصویر باقی می‌ماند که عامل استیلا متجاوز می‌باشد.

بنابراین تمامی احکام غصب را می‌توان بر این عمل بار نمود و بنا بر وجود عنصر عدوان و عدم آن رای به غصب و یا در حکم غصب داد.

از عبارات بالا این نتیجه نیز حاصل است که ایادی متعاقب نیز ضامن می‌باشند. بنا بر این در صورتی که برای مثال پوستری از شخصی بدون اذن او به فروش رود صاحب تصویر می‌تواند آن را از هرکس که بخواهد باز پس گیرد و یا از هر کجا که بخواهد در میان ایادی این حق را تنفیذ نماید. از سوی دیگر ایادی مطلع از عدم اذن نیز در تمامی رفتار خویش در این باره ضامن می‌باشند.

الف-۳-۲) مقررات مربوط به مسئولیت کیفری:

به طور کلی قواعد بازدارنده کیفری این اعمال در دو دسته قرار می‌گیرد مواردی که هدف اصلی از جرم انگاری حفظ حریم اشخاص بوده و مواردی که به دنبال صیانت از ارزشهای اصیل جامعه است. به عبارت دیگر موضوع جرم تمایل به حقوق خصوصی و یا عمومی دارد.

در باب قسمت اول و پاسداری از حقوق خصوصی آنها قانون‌گذار جز در موارد معدود و موردی عنایت زیادی ننموده است. بنحوی که این مقررات در چند قانون مربوط به مطبوعات و جرایم رایانه‌ای خلاصه می‌شود. حال آنکه موارد تعدی به این حق فراتر از این رسانه‌هاست و لذا وجود یک ماده تضمین‌کننده عام لازم است.

در زمینه بخش عمومی باز با دو دسته مواجه هستیم آنچه محافظت فرهنگ و ارزش‌های جامعه است و آنچه در تعارض با امنیت حاکمیت قرار می‌گیرد. آنچه مرتبط با ممنوعیت‌های مربوط به حاکمیت از بحث فعلی ما خارج است و لذا از پرداختن به آن می‌پرهیزیم.

حال بررسی گروه اول را که آغاز کنیم با قوانین متفرق بسیاری مواجه می‌شویم که ما به بررسی دو مورد اهم می‌پردازیم:

پیش از آنکه به سراغ قانون مطبوعات برویم به یک اصل از قانون اساسی می‌بایست اشاره نمود که تجلی آزادی مطبوعات می‌باشد. در اصل ۲۴ قانون اساسی می‌خوانیم: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب

مزاح بودن بعید است که شامل ماده شود. ضمناً برای این جرم سوء نیت عام لازم است و فرد می‌بایست عالم به جرم بودن عمل انتسابی باشد.

به نظر می‌رسد دیدگاه اول با اصول حقوقی سازگارتر باشد خصوصاً آنکه پذیرش افترا با کاریکاتور بعید است. بنابراین رسیدگی به آنچه از جرم افترا که مربوط به قانون مطبوعات است با تصویر مفتریانه احراز نمی‌شود. هر چند این امر مانع از رسیدگی به جرم ماده ۶۹۷ نمی‌شود. در مورد جرم دوم مذکور در ماده نیز این نکته جالب است که دایره شمول آن محدود به گروه اندکی از جامعه می‌باشد. هر چند در صورت توهین به عموم افراد جامعه نیز مکانیسمی در ماده ۲۳ در نظر گرفته شده است. با این وجود نظر استفساریه‌ای که به ماده واحده زیر انجامید عملاً تصویر را از ادات توهین به اشخاص بند ۸ و برخی مواد دیگر خارج می‌کند:

«ماده واحده آیا منظور از عبارت (اهانت، توهین و یا هتک حرمت) مندرج مقررات جزائی از جمله مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۵۱۸)، (۶۰۸)، (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۶۲) و (۷۲) قانون مطبوعات عبارت است از بکار بردن الفاظی که دلالت صریح بر فحاشی و سب و لعن دارد یا خیر؟ و در صورت عدم صراحت مطلب و انکار متهم بر قصد اهانت و هتک حرمت آیا موضوع از مصادیق مواد مورد ذکر می‌باشد یا خیر؟

نظر مجلس:

از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و ... عبارت است از بکاربردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ چهارم دیماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۰ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی مهدی کروبی» تاکید این ماده بر لزوم لفظی بودن توهین عملاً تنها ماده‌ای را که به نحوی شامل حق تصویر بود خلع سلاح می‌نماید.

مجرمانه به دیگری^{۱۵} در حالی که توهین به معنی وهن حیثیت اجتماعی افراد می‌باشد. در واقع ماده فوق‌الذکر شامل دو عنوان مجرمانه می‌باشد یکی افترا و دیگری توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی دارای حرمت اجتماعی. نگارش بند مذکور تا حدودی گنگ می‌باشد زیرا که مشخص نیست قسمت اخیر ماده در برگیرنده جرم افترا در صدر ماده نیز می‌شود یا نه؟ به عبارت دیگر افترا با عکس نیز ممکن است یا این فقط جرم توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی دارای حرمت شرعی، است که با عکس و کاریکاتور جرم می‌باشد؟ در بررسی این سوال می‌توان از دیدگاه حقوق جزا وارد شد و ادعا نمود از آنجا که این ماده ناظر به جرایم مطبوعاتی و به طور دقیق تر افترا و توهین است؛ پس بایست از اصول ناظر بر تفسیر مقررات جزایی بهره جست. بنابراین راهی جز تفسیر مضیق این قواعد وجود ندارد. ولذا مورد ماده محدود به بخش دوم می‌باشد.

اما با دیدگاه دیگری نیز می‌توان به سراغ ماده مذکور رفت. و مدعی شد قانون مطبوعات یک قانون صرفاً جزایی نیست، هر چند از این ضمانت نیز بهره برده است و لذا تصویر را برای هر دو عنوان از موارد مجرمانه تلقی کرد. و برای تقویت این دیدگاه به مشابهت ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی اشاره کرد. این ماده اشعار می‌دارد: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جرائد یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۴۷) ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد.» این ماده در بیان حکم افترا برآمده و در این بین در بیان وسایل ایراد افترا بعد از بیان چند مثال به طور کلی هر وسیله دیگری را برای ابراز افترا مکفی می‌داند. البته باید اذعان کرد که بین عمل ارتكابی و مثال‌های ایراد شده بایستی تشابه نسبی وجود داشته باشد. پس می‌توان تصویر را نیز در این دسته گنجانید. اما نکته حائز اهمیت در افترا لزوم صریح بودن انتساب جرم است پس اگر تصویری به نحوی انتشار یابد که صراحت در انتساب جرمی داشته باشد مشمول این ماده می‌شود. نتیجه دیگر اینکه کاریکاتور به علت عدم صراحت و

آزادند، مگر آنکه منحل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون تعیین می‌کند.»

همانطور که مشاهده می‌شود در این اصل نیز توجه به بخش عمومی پررنگ‌تر می‌باشد هر چند مبانی اسلام در نهایت شامل حقوق خصوصی اشخاص نیز هست. آزادی بیان مصرح در اصل مذکور در مواد زیر از قانون مطبوعات نیز مکرراً تکرار می‌شود:

«ماده ۴ - هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند. ماده ۵- کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است.» پس آزادی بیان هدف‌مند در مقررات داخلی نیز به رسمیت شناخته شده است.

یک مقدمه دیگر نیز ضروری به نظر می‌رسد و آن تعریف مطبوعات است در ماده ۱ قانون مذکور تعریف زیر ارائه شده است: «مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شوند. تبصره - انتشار فوق‌العاده اختصاص به نشریه‌ای دارد که به طور مرتب انتشار می‌یابد.» در اصلاحات ۳۰ فروردین سال ۷۹ تبصره زیر به ماده ۱ قانون افزوده شد.

«تبصره ۳- کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است.»

بنابراین شمول مقررات مذکور به نشریات الکترونیکی را مشاهده می‌نماییم.

با بیان توضیحات فوق به بررسی عملی مواد مرتبط با بحث می‌پردازیم. ابتدا از بند ۸ ماده ۶ آغاز می‌کنیم در این ماده حدود آزادی مطبوعات احصا شده است و در بند ۸ آن یکی از این محدودیت‌ها را داریم: «افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.»

پیش از هر چیز تعریفی اجمالی از افترا و توهین ارائه می‌دهیم.

افترا عبارت است است انتساب امری

علاوه بر بند ۸ در ماده ۳۱ نیز به نحو سعی در محافظت از اسرار و حیثیت افراد شده است اما تنها در مقابل تهدیدات و معلوم نیست چرا وقتی تهدید به عملی جرم بوده خود آن از دید قانونگذار می‌افتد. ماده ۳۱- «انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است و مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد.» ظاهراً این ماده بر اساس ماده ۱۱۳ از قانون تعزیرات ۶۲ نگاشته شده است که بعداً در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۷۵ این عنوان مجرمانه حذف گردیده. بنابراین ظاهراً بنا بر قسمت اخیر ماده چاره‌ای جز توسل به قانون تعزیرات سال ۶۲ برای مجازات این افراد نیست.

ماده ۱۱۳- «هرگاه کسی دیگری را به هر نحوه تهدید به قتل یا ضررهای

از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و ... عبارت است از بکاربردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد.

نفسی یا شرفی و آبرویی یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از آنکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده باشد، یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

به هر حال همان‌طور که در ابتدا گفته شد مواد مذکور برای صیانت از حریم خصوصی افراد به طور عام و حقوق مربوط به تصویر ایشان به طور خاص ناکافی است. زیرا این تجاوز می‌تواند بدون افتراء، توهین و یا تهدید به موارد ذکر شده رخ دهد. اما پس از قانون مطبوعات به ذکر فهرست‌وار چند ماده از مصوبه‌نامه شورای عالی انقلاب فرهنگی به نام «مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای» می‌پردازیم. در واقع این مصوبه‌نامه از نوآوری است که به حفظ حریم خصوصی

افراد اهتمام نموده.

«۵-۳-۵۱- حریم اطلاعات خصوصی کاربران از مصونیت برخوردار بوده و هرگونه دسترسی غیرقانونی توسط رسانه‌ها و هر مرجع دیگر به فعالیت‌های اینترنتی کاربران ممنوع می‌باشد.

۶- تولید و عرضه موارد زیر توسط رسانه‌ها و کاربران ممنوع می‌باشد.

۶-۱۰-۱- اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف اخلاق و عفت عمومی.

۶-۱۳-۱- افشای روابط خصوصی افراد و تجاوز به حریم اطلاعات شخصی آنان.

۷- تولید و عرضه موارد زیر توسط شبکه‌های انتقال اطلاعات رایانه‌ای ممنوع می‌باشد:

۷-۱۰-۱- اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف اخلاق و عفت عمومی.

۷-۱۵-۱- افشای روابط خصوصی افراد و تجاوز به حریم اطلاعات شخصی آنان»

الف (۴)- بهره‌برداری و انتقال حق تصویر (رفع تعارض بین حق آزادی مطبوعات و اطلاع‌رسانی و حق صیانت از حریم شخصی) در مباحث گذشته در باب وجود آزادی بیان و اطلاع‌رسانی از یک سو و حریم خصوصی افراد از سوی دیگر سخن رانیدیم. اما این لزوم احساس می‌شود که برای جمع این دو حق انکارناپذیر نیز راهکاری بیندیشیم.

این امر ممکن نیست مگر آنکه صاحب حق تصویر بتواند آن را به گونه‌ای در اختیار ارباب جرایم و یا دیگر نگارگران قرار دهد. و از طرف دیگر آنجا که حق اطلاع‌رسانی و آزادی بیان لازم می‌داند که از واقعه‌ای در سطح جامعه گزارشی تهیه کند با سد حریم خصوصی افراد از رسالت خویش باز نماند.

ابتدا به سراغ پاسخگویی به این سوال می‌رویم که چگونه انتقال حق تصویر ممکن است؟ همان‌طور که پیش‌تر گفتیم این امر از حقوق وابسته به شخصیت انسان است بنابراین واگذاری آن طبق ماده ۹۵۹ قانون مدنی ممکن نمی‌باشد.

اگر مایل به سمت گروهی باشیم که معتقدند با مفهوم‌گیری از ماده ۹۵۹ می‌توان به این نتیجه رسید که هر چند به طور کلی نمی‌توان این حقوق را از خود سلب نمود لکن به طور جزئی می‌توان این کار را کرد. به مشکل زیادی بر نمی‌خوریم بنابراین یک

هنرپیشه می‌تواند برای دوره‌ای از زمان مشخص و یا در موردی خواص این حق خود را به یک کمپانی تبلیغاتی منتقل سازد.

اما آن گروه که این روش مفهوم‌گیری را صحیح نمی‌دانند تبعاً با انتقال جزئی این حق نیز مخالف هستند.

بنابراین طبق نظر این دسته واگذاری انحصاری حق تصویر هنرپیشه مذکور به دیگران در دوره‌ای مشخص ممکن نمی‌باشد. با این وجود راه همچنان بسته نیست به این ترتیب که می‌توان حق بهره‌برداری از تصویری خاص را واگذار نمود هر چند دیگر انتقال حق بهره‌برداری انحصاری و یا تضمین شده تصویر به دیگران به طور محدود نیز ممکن نیست.

در هر حال ظاهراً دیدگاه اول با واقعیات سازگارتر می‌باشد.

نکته قابل بررسی دیگر این است که

اگر مایل به سمت گروهی باشیم که معتقدند با مفهوم‌گیری از ماده ۹۵۹ می‌توان به این نتیجه رسید که هر چند به طور کلی نمی‌توان این حقوق را از خود سلب نمود لکن به طور جزئی می‌توان این کار را کرد. به مشکل زیادی بر نمی‌خوریم بنابراین یک هنرپیشه می‌تواند برای دوره‌ای از زمان مشخص و یا در موردی خواص این حق خود را به یک کمپانی تبلیغاتی منتقل سازد.

اعلام اراده فرد مبنی بر رضایت او در باره تصویربرداری از وی به چه صورتی باید باشد؟ آیا صرف حضور یک شخصیت مشهور در اظهار عمومی این حق را به رسانه‌ها می‌دهد که از او تهیه تصویر نمایند؟ به عبارت دیگر آیا رضایت ضمنی کافی است؟

در بند ۲ ماده ۲۲۶-۱۱ قانون مجازات فرانسه تصویربرداری و توزیع آن از محیط خصوصی افراد بدون رضایت آنها جرم تلقی شده است اما در انتهای ماده می‌گوید اگر فردی مشاهده نماید که از او در این محیط عکس‌برداری می‌شود و مخالفتی ننماید این عمل او به منزله اعلام رضایت ضمنی وی می‌باشد.

هرچند ماده مذکور در مورد محیط خصوصی است اما در هر حال می‌توان گفت به طریق اولی در محیط عمومی سکوت شخص به معنی رضایت او می‌باشد. اما در حقوق ایران به نظر این راهکار

solidairement responsables du dommage causé par leurs enfants mineurs habitant avec eux.

Les maîtres et les commettants, du dommage causé par leurs domestiques et préposés dans les fonctions auxquelles ils les ont employés ;

Les instituteurs et les artisans, du dommage causé par leurs élèves et apprentis pendant le temps qu'ils sont sous leur surveillance.

La responsabilité ci-dessus a lieu, à moins que les père et mère et les artisans ne prouvent qu'ils n'ont pu empêcher le fait qui donne lieu à cette responsabilité.

En ce qui concerne les instituteurs, les fautes, imprudences ou négligences invoquées contre eux comme ayant causé le fait dommageable, devront être prouvées, conformément au droit commun, par le demandeur, à l'instance.

10. NOUVEAU CODE DE PROCEDURE CIVILE Article 809

Le président peut toujours, même en présence d'une contestation sérieuse, prescrire en référé les mesures conservatoires ou de remise en état qui s'imposent, soit pour prévenir un dommage imminent, soit pour faire cesser un trouble manifestement illicite.

Dans les cas où l'existence de l'obligation n'est pas sérieusement contestable, il peut accorder une provision au créancier, ou ordonner l'exécution de l'obligation même s'il s'agit d'une obligation de faire.

11. CODE CIVIL Article 9

Chacun a droit au respect de sa vie privée. Les juges peuvent, sans préjudice de la réparation du dommage subi, prescrire toutes mesures, telles que séquestre, saisie et autres, propres à empêcher ou faire cesser une atteinte à l'intimité de la vie privée : ces mesures peuvent, s'il y a urgence, être ordonnées en référé.

12 CODE PENAL(Partie Législative) Article 226-1

هویت او را مشخص نسازد. برای مثال در موردی مشابه دادگاه فرانسه انتشار تصویر جنازه اریگناک کشته شده را تجاوز به حسن شهرت او ندانست.

و این گونه استدلال نمود آزادی بیان و ضرورت اطلاع رسانی این اجازه را به عکاس جراید در صحنه می دهد که با رعایت حیثیت و احترام او از او تصویربرداری کند حال آنکه هویت وی در عکس قابل شناسایی نبوده است.^{۱۷}

پی نوشتها

۱. اشخاص و مجبورین، صفایی سید حسین، قاسم زاده سید مرتضی، ص ۶

۲. همان

۳. همان ص ۹

۴. همان ص ۱۵

۵. همان ص ۱۹

۶. دوره حقوق مدنی امامی حسن ج ۴ ص ۱۵۶

7. CODE CIVIL Article 1382

Tout fait quelconque de l'homme, qui cause à autrui un dommage, oblige celui par la faute duquel il est arrivé à le réparer.

8. CODE CIVIL Article 1383

Chacun est responsable du dommage qu'il a causé non seulement par son fait, mais encore par sa négligence ou par son imprudence .

9. 4CODE CIVIL Article 138

On est responsable non seulement du dommage que l'on cause par son propre fait, mais encore de celui qui est causé par le fait des personnes dont on doit répondre, ou des choses que l'on a sous sa garde.

Toutefois, celui qui détient, à un titre quelconque, tout ou partie de l'immeuble ou des biens mobiliers dans lesquels un incendie a pris naissance ne sera responsable, vis-à-vis des tiers, des dommages causés par cet incendie que s'il est prouvé qu'il doit être attribué à sa faute ou à la faute des personnes dont il est responsable.

Cette disposition ne s'applique pas aux rapports entre propriétaires et locataires, qui demeurent régis par les articles 1733 et 1734 du code civil.

Le père et la mère, en tant qu'ils exercent l'autorité parentale, sont

عملی نمی آید از آن رو که سکوت در قانون مدنی جز در موردی خاص به معنی رضایت نمی باشد لذا علاوه بر سکوت نیاز به عملی است که اشعار به رضایت او داشته باشد.

ماده ۲۴۹ قانون مدنی «سکوت مالک ولو با حضور در مجلس عقد اجازه محسوب نمی شود.»

به عنوان آخرین موضوع به سراغ مواردی می رویم که شخصی در جریان موضوعی خبرساز واقع شده است. مثلاً قربانی یک تصادف است آیا می توان این حق را برای مطبوعات قایل بود که از این حادثه تصویر تهیه سازند؟

به طور کلی صرف حضور شخصی در یک تصویر حقی برای او ایجاد نمی کند و تصویر یک شخص در اماکن عمومی در صورتی که موضوع تصویر نباشد ظاهراً بلامانع است زیرا که این امر لازمه آزادی بیان و اطلاع رسانی است. در مواردی نیز که شخصی موضوع واقعه ای قرار می گیرد آزادی بیان انتشار تصویر فردی را که به طور مستقیم به حادثه ای مرتبط می شود را توجیه می کند به این شرط که رعایت حسن شهرت و شخصیت او انجام شود. البته در صورت امکان و حتی المقدور می بایست این تصویر

به طور کلی صرف حضور شخصی در یک تصویر حقی برای او ایجاد نمی کند و تصویر یک شخص در اماکن عمومی در صورتی که موضوع تصویر نباشد ظاهراً بلامانع است زیرا که این امر لازمه آزادی بیان و اطلاع رسانی است.



publication, par l'hebdomadaire « Paris-Match », d'une photographie représentant Mme X..., victime, lors de l'attentat survenu à Paris à la station Saint-Michel du RER, le 25 juillet 1995, l'arrêt attaqué retient que, si la liberté d'expression et les nécessités de l'information rendaient légitime le compte rendu de l'événement, la protection du droit à l'image de Mme X... commandait que la reproduction de sa photographie, prise sans son autorisation, ne permette pas son identification ; Attendu qu'en se déterminant ainsi, alors qu'elle relevait que la photographie était dépourvue de recherche du sensationnel et de toute indécence et qu'ainsi, elle ne portait pas atteinte à la dignité de la personne représentée, la cour d'appel a violé les textes susvisés ; PAR CES MOTIFS : CASSE ET ANNULE, dans toutes ses dispositions, l'arrêt rendu le 30 décembre 1998, entre les parties, par la cour d'appel de Paris ; remet, en conséquence, la cause et les parties dans l'état où elles se trouvaient avant ledit arrêt et, pour être fait droit, les renvoie devant la cour d'appel de Paris, autrement composée.

pour empêcher la divulgation d'informations confidentielles ou pour garantir l'autorité et l'impartialité du pouvoir judiciaire.

١٤ جواهر الكلام كتاب الغصب

١٥ گلدوزيان . محشای قانون مجازات اسلامی ص ٤٢٤

16. CODE PENAL Article 226-1

Est puni d'un an d'emprisonnement et de 45000 euros d'amende le fait, au moyen d'un procédé quelconque, volontairement de porter atteinte à l'intimité de la vie privée d'autrui :

1° En captant, enregistrant ou transmettant, sans le consentement de leur auteur, des paroles prononcées à titre privé ou confidentiel ;

2° En fixant, enregistrant ou transmettant, sans le consentement de celle-ci, l'image d'une personne se trouvant dans un lieu privé.

Lorsque les actes mentionnés au présent article ont été accomplis au vu et au su des intéressés sans qu'ils s'y soient opposés, alors qu'ils étaient en mesure de le faire, le consentement de ceux-ci est présumé.

17. cass. 1er civil, 20 fevr. 2001

Président : M. Lemontey .

Rapporteur : M. Ancel.

Avocat général : M. Sainte-Rose.

Avocats : la SCP Waquet, Farge et Hazan, la SCP Baraduc et Duhamel.

REPUBLIQUE FRANCAISE
AU NOM DU PEUPLE
FRANCAIS

Sur le moyen unique, pris en sa deuxième branche :

Vu l'article 10 de la Convention européenne de sauvegarde des droits de l'homme et des libertés fondamentales, ensemble les articles 9 et 16 du Code civil ; Attendu que la liberté de communication des informations autorise la publication d'images des personnes impliquées dans un événement, sous la seule réserve du respect de la dignité de la personne humaine ; Attendu que pour juger illicite la

Est puni d'un an d'emprisonnement et de 45000 euros d'amende le fait, au moyen d'un procédé quelconque, volontairement de porter atteinte à l'intimité de la vie privée d'autrui :

1° En captant, enregistrant ou transmettant, sans le consentement de leur auteur, des paroles prononcées à titre privé ou confidentiel ;

2° En fixant, enregistrant ou transmettant, sans le consentement de celle-ci, l'image d'une personne se trouvant dans un lieu privé.

Lorsque les actes mentionnés au présent article ont été accomplis au vu et au su des intéressés sans qu'ils s'y soient opposés, alors qu'ils étaient en mesure de le faire, le consentement de ceux-ci est présumé.

13. Convention Européenne des Droits de l'Homme Convention de Sauvegarde des Droits de l'Homme et des Libertés fondamentales Article 10

1. Toute personne a droit à la liberté d'expression. Ce droit comprend la liberté d'opinion et la liberté de recevoir ou de communiquer des informations ou des idées sans qu'il puisse y avoir ingérence d'autorités publiques et sans considération de frontière. Le présent article n'empêche pas les États de soumettre les entreprises de radiodiffusion, de cinéma ou de télévision à un régime d'autorisations.

2. L'exercice de ces libertés comportant des devoirs et des responsabilités peut être soumis à certaines formalités, conditions, restrictions ou sanctions prévues par la loi, qui constituent des mesures nécessaires, dans une société démocratique, à la sécurité nationale, à l'intégrité territoriale ou à la sûreté publique, à la défense de l'ordre et à la prévention du crime, à la protection de la santé ou de la morale, à la protection de la réputation ou des droits d'autrui,